

شرافت کتاب

در عظمت و شرافت کتاب همین بس که خدای متعال به آن سوگند یاد می‌کند: «نَ وَ الْقَلْمَ وَ مَا يَسْطُرُونَ؛ قسم به قلم و آن چه می‌نویسند» کتاب از برترین نعمت‌های الهی است که در پناهش بشر از حضیض و گرداب جهل به بلندای دانش می‌رسد و از تاریکی غفلت به روشنی دانایی پا می‌نهد. ما نیز کتاب را بزرگ بداریم.

کتاب بیانگر شخصیت

کتاب‌ها پنجره‌هایی درون آینه تمام نمای ذهن نویسنده‌گانشان هستند و بوستان‌هایی که از چهره دستی باغبانان نشان دارند. امیر مؤمنان؛ علی(ع) می‌فرماید: «كتابُ الرَّجُلِ عَنوانٌ عَقْلِهِ وَ بُرْهَانٌ فَضْلِهِ؛ نوشته آدمی، نشان عقل و نشانده‌نده میزان فضیلت اوست»

کتاب‌ها، سپری در برابر آتش

کتاب‌های مفید و علمی، در شرافت و افتخار، برتر از حتی خون شهیدان‌اند و چنان گران بھایند که حضرت رسول(ص) در این مورد می‌فرماید: «المؤمن

إِذَا ماتَ وَ تَرَكَ وَ رَقَةً وَاحِدَةً عَلَيْهَا عِلْمٌ تَكُونُ تِلْكَ
الورقةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَتَرًا فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ؛ هَرَگَاه
مُؤْمِنٍ أَزْ دُنْيَا بِرُودٍ وَ ازْ أَيْكَ وَرَقَ كَهْ بِرَ آنْ نَكْتَه
عَلْمِي نَگَاشْتَه شَدَه باشَد، باقِي بِمَانَد، سَبْرِي بَيْنَ اوْ وَ
آتَشْ جَهَنَّمْ خَواهد بُود.

کتاب‌های پاک

كتابی می‌آورم تا بخوانمش، كتابی که برايم از دل‌های بی‌ریا بگويد، از چشم‌های معصوم، از شهادت و دلیری شهادت طلبان. كتابی که برايم از نور بگويد، از

پیامبر، از صورت زیبا و سیرت نیکویش، كتابی که برايم از عفاف بگويد، از پاک بودن، و از آسمانی و الهی بودن. كتابی که برايم از خوبی‌ها بگويد تا با آن در بهشت نیکی‌ها قدم زنم و دلخستگی‌ام را به سایه‌سار آرامش آرام دهم و تمام وجودم را از زیبایی‌ها و خوبی‌ها لبریز سازم. به راستی كتاب‌های پاک به اندازه دل‌های پاک، دوست داشتنی و مهربانند.

کتاب‌ها در سنجش ذهن

بعضی از كتاب‌ها چنان عمیقند که جهان با همه وسعتش در آن گم می‌شود. بعضی آن قدر کوچکند که خود را به زور

کلام بزرگان

دانشجو و آدم مسلمان به هر مقامی هم نایل شود باید مطالعه اسلامی و دینی داشته باشد. باید از محرمات پرهیز نماید.

حضرت آیت الله بهجت(ره)

متأسفانه کتاب در جامعه ما آن مقدار که شأن این جامعه اقتضا می‌کند، رواج ندارد. جامعه ما اساساً جامعه‌ای پخته و بالغ شده است؛ یک جامعه ابتدایی و بدوي نیست. مردم ما باید بیش از این با کتاب آشنا باشند. مقام معظم رهبری

خاطره‌ای از شهید

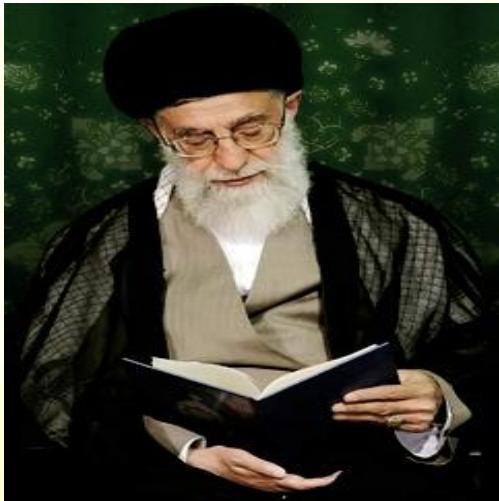
ساواک پرسیده بود به چی اعتیاد داری؟

گفته بود به مطالعه.

تو زندان بود که به درجه اجتهاد رسید.

شهید اسدالله لاجوردی (كتاب دیده‌بان انقلاب)

هفته کتاب و کتابخوانی گرامی باد.



"من تسلی بالکتب لم تفته سلوه.

کسی که خود را با کتابها ارامش دهد، هیچ آرامشی را از دست ندهد."

امام علی علیه السلام

(میزان الحكمه، ج ۱۰، ص ۳۸)

آبانماه ۱۳۹۴ مدرسه علمیه فاطمه الزهرا ویلاشهر، تلفن مدرسه: ۴۲۲۵۰۸۰۰

علوم دینیه سپری کرده اند. مطالب این کتاب در مدت پنج سال به همت یکی از شاگردان این عالم ربانی، "حجت الاسلام شاکر برخوردار فرید" جمع آوری و تنظیم گردیده است. آداب و رسوم مطرح شده در این کتاب، از حالت دستورات خشک و آئین نامه‌ای خارج، و به صورت حکایات شیرین، و با زبانی ساده و بدون به کار بردن کلمات مشکل آورده شده است. در کنار آن بیش از ششصد حدیث با ذکر منابع و با اعراب گذاری و ترجمه آن به مناسبت‌های مختلف گنجانیده شده است.



مسابقه:

درمورد سه جمله زیر متنی با خلاقیت خود نوشته و تا تاریخ ۹۴/۹/۱۴ از طریق بارگذاری در گروه معجزه قلم کوثرنت یا اتوماسیون و یا ایمیل به این مدرسه ارسال نمایید: به برترین متنها جوازی تعلق می‌گیرد
ta_shafiee@yahoo.com

- ۱- زبان حال خاک سوزان کربلا در تاسوعا و عاشورا و شام غریبان
- ۲- بازسازی شام غریبان، اگر حضرت زینب شهید می شدند.
- ۳- بازسازی شام غریبان، اگر حضرت عباس شهید نمی شدند.

داستان

«داداش! یکی دو تا کتاب بهم میدی؟»

نمی‌دانم چه کسی نصیحتش کرده بود که یک دفعه عاشق کتابخوانی شده بود.

«هر کدوم از کتابا رو که به دردت می‌خوره بردار.» رفت جلوی کتابخانه‌ی من و یکی دو تا کتاب نسبتاً قطور برداشت. اما به سن و سالش نمی‌خورد. تشکر کرد و رفت بیرون.

می‌دانستم به دردش نمی‌خورد و آنها را برمی‌گرداند. چند دقیقه بعد، بلند شدم و با استیاق، دو سه کتاب که به سنش نمی‌خورد را جدا کردم و برایش بردم. توی اتفاقش نبود.

دیدم توی آشپزخانه است. کتاب‌ها را گذاشته روی صندلی و رفته روی آنها تا دستش به ظرف شکلات خوری برسد!!!

معرفی کتاب:

کتاب دو جلدی آداب الطالب و آفات الطالب مجموعه سخنان و تجربیات عالم ربانی و معلم اخلاق، حضرت آیت الله حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی است که قریب ۶۰ سال از عمر شریف خود را جهت تعلیم و تربیت طلاب